

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه‌ی ، سه‌شنبه ۶ بهمن ۱۳۹۴ - ۱۵ ربیع الثانی ۱۴۳۷

مقدمه

بحث در مورد دسته‌ی سوم روایات بود؛ آن بخشی که مضمونشان این بود که هیچ قیامی قبل از قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به پیروزی نائل نمی‌شود؛ پس برای جلوگیری از هدر رفتن جان و مال مسلمانان، نباید هیچ قیامی انجام بشود.

فقه الحدیث

این روایات از سه جهت بایستی مورد بررسی قرار بگیرند:

۱. صدور (سلسله‌ی سند و میزان وثوق رجال راوی آن)

۲. جهت صدور (دلیل و شأن صدور روایت)

۳. دلالت (بررسی دقیق عبارت حدیث و منطوق و مفهوم آن)

قبلاً این روایت را از حیث صدور بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که عمدتاً ضعف سندی دارند.

لیکن برخی از علما بر این باورند که ضعف سندی این روایات با شهرتشان قابل جبران است.

آیا ضعف سندی با شهرت جبران می‌شود؟

این روایات در بین علمای شیعه، چه در دوران ائمه علیهم السلام و چه در دوران غیبت صغری و چه در دوران غیبت مشهور بوده‌اند؛ لیکن شهرت در زمانی جبران کننده‌ی ضعف سند است که طبیعی باشد. ممکن است روایتی شهرت فراگیری داشته باشد، اما بعد از بررسی سند آن ببینیم ضعیف است. در واقع اگر شهرت روایتی طبیعی باشد، نمی‌توان به صرف ضعف سندش آن را ترک کرد.

اما اگر شهرت طبیعی نباشد و عامل خاصی موجب شهرت آنها شده باشد، این شهرت موجب جبران ضعف سند نمی‌شود.

شواهدی در دست هست مبنی بر این که شهرت در این روایات طبیعی نیست؛ این روایات در شرایطی که شیعیان در خفقان و فشار بوده‌اند مشهور شدند؛ در این شرایط احتمال دارد که صدور این روایات برای تسلی خاطر شیعیان بوده است (که از قیام و اصلاح جهانی حضرت حجّت علیه السلام ناامید نشوند) و همچنین امکان دارد که این روایات به دست عوامل فساد و طاغوت‌های زمان، برای جلوگیری از قیام‌ها و حرکت‌های شیعیان منتشر می‌شده‌است.

پس شهرت این روایات طبیعی نیست و احتمالاً به خاطر این علل و عوامل شهرتی ارادی و غیرطبیعی بوده است.

مسلمانان در هر زمانی با قشری رفاه‌طلب (که متأسفانه در بین علما هم کم نبودند) مواجه بوده‌اند. در دوران انقلاب نیز چنین علمایی بودند؛ علمای درباری که فقط به فکر زندگی آرام و آسوده در عافیت و رفاه بودند. طبیعی است که این قبیل افراد این نوع روایات را زیاد تبلیغ می‌کرده‌اند؛ این افراد

عافیت طلب، با تمسک به چنین روایاتی، مردم را از قیام منع می کردند و حتی تا مرحله ی تکفیر کسانی که قیام می کرده اند پیش می رفتند.

پس ضعف سندی این روایات با شهرت غیرطبیعی [و ساختگی] جبران نمی شود و نتیجتاً قابل تمسک نیستند.

### بررسی جهت صدور این روایات

گاهی ائمه علیهم السلام در پاسخ به سؤال برخی افراد نکته ای را می فرمودند؛ گاهی هم مسأله ای را عمومی و برای استفاده ی همگان مطرح می نمودند. پس برخی روایات جهت صدور (مفهومی مشابه شأن نزول آیات قرآن) داشته اند و اگر جهت صدور با ظاهر روایات سازگار نباشد، این صدور قابل توجه و تمسک نیست.

بهترین مثال برای روایاتی که جهت صدورشان با دلالتشان منافات دارد، همین روایات است. این روایات به خاطر جهت خاصی صادر شده اند؛ به این بیان که در زمان امام سجاد علیه السلام مسأله ی خون به ناحق ریخته ی سیدالشهداء علیه السلام مطرح و در جوانان شیعی بسیار مشهور بود.

لیکن در دوره ی بعد و در زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام مسأله ی خونخواهی مطرح نبود، بلکه مسأله ی جوانان شیعه، گرفتن حق حکومت و حاکمیت از غاصبین خلافت بود. این تفکر جوّی را به وجود آورده بود که باعث می شد شیعیان دست به قیام های احساسی و هیجانی بزنند؛ نتیجه ی این قیام های حساب نشده این بود که شیعیان کشته و اسیر و تبعید می شدند، ولی بهره برداری و سوءاستفاده ی سیاسی را جریانات منحرف می نمودند. جهت صدور این دسته از روایات این بود که

این جوّ شکسته شود. چون نتیجه‌ی این جوّ، حبس و تبعید و قتل بی‌ثمر شیعیان بود و امام علیه السلام با منع ایشان از چنین قیام‌های کوری، راه بهره‌برداری سیاسی را برای گروه‌های سیاسی مغرض و سوءاستفاده‌گر می‌بستند. بررسی تاریخ صدور روایات این نکته را تأیید می‌نماید.

این جهت صدور با اطلاقی که در متن روایت است نمی‌سازد. پس نمی‌توانیم حکم کلی روایات را بر همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها تطبیق بدهیم و حکم منع قیام را به تمام موارد سرایت بدهیم.

چنانچه گفته شد، اینجا که ظهور روایت (اطلاق) با جهت صدور (خصوصیت در مورد قیام‌های زمان ائمه علیهم السلام) سازگار نیست، روایت کنار گذاشته می‌شود.

برخی از بزرگان گفته‌اند که این روایات کلاً مجعول هستند، زیرا از زمان امام صادق علیه السلام به این طرف دیگر چنین روایاتی نداریم. مثلاً از امام رضا علیه السلام چنین روایاتی (به نقل خودشان نه به نقل از پدرانشان) نقل نشده است.

دوران امام رضا علیه السلام از نظر سیاسی فوق‌العاده پیچیده بود و با وضعیتی که ایشان داشتند (که می‌توان ایشان را سیاسی‌ترین امام در میان ائمه علیهم السلام دانست) با هشیاری و تدبیر در مقابل برخورد سیاسی مأمون مقابله می‌کردند. در زمان امام موسی کاظم و امام رضا علیهما السلام حرکتهایی که صورت می‌گرفت سکولاریستی بود و دیگر آن تفکر انتقام‌جویی خون امام حسین علیه السلام و گرفتن حقّ اهل بیت علیهم السلام وجود نداشت؛ لذا برخی علماء عقیده دارند که این روایات اساساً مجعول و ساخته‌ی خلفای عباسی و ... بوده است.

بررسی دلالت روایات

بر فرض این که از ضعف سند و اشکال در جهت صدور این روایات بگذریم، نکته‌ی سوم خدشه‌هایی است که در دلالت این احادیث وجود دارد.

### اشکال مشترک در دلالت همه‌ی این روایات

در همه‌ی این روایات کلمه‌ی «منا» وجود دارد:

۱. «منا» شامل وجود مقدّس اهل بیت علیهم السلام بشود که این اهل بیت شامل فرزندان

حضرت امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیهما السلام و همچنین ائمه علیهم السلام می‌باشد.

۲. این که «منا» به خود ائمه‌ی معصومین علیهم السلام برگردد.

اگر «منا» به اهل بیت برگردد، حکم منع قیام شامل اهل بیته است که در همان زمان زندگی می‌کرده‌اند؛ پس شامل شیعیان غیر سادات و یا سادات دوردست نمی‌شود.

اگر هم بگوییم منظور از «منا» معصومین بوده است، این حکم شامل منع قیام ائمه علیهم السلام تا قبل از ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شود.

پس از این روایات حکم عامی برداشت نمی‌شود و وجود «منا» در روایات دلالت می‌کند که اگر منعی هم باشد برای اهل بیت است، نه همه‌ی شیعیان و این منع حتی سادات دوردست را هم شامل نمی‌شود.

### بررسی مضمون جزئی روایات

این روایات به سه دسته تقسیم می‌شوند و هر دسته، مضمون خاصی را افاده می‌کنند.

در روایت اول و دوم، امام علیه السلام قیام [حساب نشده] را به پرواز جوجه‌ی بی‌بال و پری تشبیه فرموده‌اند. مقصود از این فرمایش، بیان یک حکم معلق است. اساساً ممکن است که بیان این روایات به نوعی غیبگویی و پیشگویی باشد، نه صدور حکم منع قیام؛ فرضاً هم که از آن حکمی استفاده بشود، حکم به شرایطی مشابه پرواز جوجه‌ی نارس معلق می‌شود و در این صورت حکم به علتش اختصاص می‌خورد؛ یعنی اگر قیامی صورت بگیرد که زمینه نداشته باشد (مانند جوجه‌ای که پر ندارد) منجر به شکست می‌شود؛ در نتیجه اگر قیامی جناح و پر و بال داشت، انجامش مانعی ندارد.

همچنین مقصود از بجه‌هایی که با جوجه‌ها بازی می‌کنند (در متن این روایات) جناح‌های سیاسی‌ای هستند که از جریان‌های خامی که بال و پری ندارند سوءاستفاده می‌نمایند.

پس اگر کسی قیام کرد که زمینه و حامیانی داشت و افراد اطرافش هم با بصیرت بودند، این قیام به شکست منجر نخواهد شد.